

# مقایسه تطبیقی دیدگاه اسلامی و دیگر مکاتب فکری در نسبت میان انسان و تکنولوژی و کارکرد آن در جامعه و محیط کالبدی

دکتر کریم مردمی<sup>۱</sup>، امیر احسنی<sup>۲</sup>

## چکیده

گسترش تکنولوژی و بنیان‌های صنعتی مسایلی تازه را پیش روی انسان گشوده و این ما را به طرح سؤال در مورد چیستی، نحوه حدوث و رابطه‌اش با انسان برمی‌انگیزد. این مطالعه در جهت تعریف نسبت انسان و فناوری سعی دارد با تحلیل آرای پیرامون فناوری بر مبنای اندیشه دینی و هویت اسلامی ایرانی، مبانی نظری و نحوه پذیرش آن را در جامعه با تأکید بر حوزه معماری و شهرسازی بررسی کند؛ مطالعه تحقیقی پایه‌ای. تحلیلی است که با جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، پیشینه موضوع مطالعه شده و به تحلیل و نتیجه‌گیری از آن‌ها پرداخته می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعارض بنیادی میان اندیشه دینی و فرهنگ اسلامی ایرانی با فناوری وجود ندارد، بلکه نگاه متصرفانه به هستی، فناوری را در تعارض با ساحت دین و فرهنگ قرار می‌دهد. از نظر کارکردی استفاده از فناوری در فضاهای جمعی و نهادهای شهروندی می‌تواند زمینه ورود تفکر تکنولوژیک را در حوزه اجتماعی فراهم نماید و کاربرد فناوری در ایجاد زیرساخت‌های کالبدی به برقراری رابطه پایدار میان آن و محیط اجتماعی می‌انجامد. در آخر بر اساس یافته‌های تحقیق راهکارهایی در بستر فرهنگی و اجتماعی کشور ارائه می‌شود تا بتوان ضمن برکنار ماندن از آسیب‌ها، مفهومی واجد ارزش‌های انسانی برای تکنولوژی تبیین نمود.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۱۷

۸۵

شماره ۵-۱  
بهار ۱۳۹۴

فصلنامه  
علمی-پژوهشی

نقش  
جهان

مقایسه تطبیقی دیدگاه اسلامی و دیگر مکاتب فکری در نسبت  
میان انسان و تکنولوژی و کارکرد آن در جامعه و محیط کالبدی

## ۱- مقدمه

تکنولوژی واقعیت گریزناپذیر جهان امروز، خود را به مثابه پدیده‌ای در حال گسترش بازمی‌نماید. تکنیک جدید به امری سراپا متفاوت از گذشته بدل شده و آنچه در پیش گرفته تغییر ابعادی از جهان ماست و این ما را وامی‌دارد تا سؤالاتی پیرامون ارتباط آن با انسان و اجتماع بپرسیم. آیا هنوز می‌توان بر این قایل بود که تکنولوژی، پدیده‌ای پسینی است و این نگاه و جهان بینی ماست که مسیر آن را تعیین می‌کند؟ و یا دارای مفهوم پیشینی بوده که فارغ از اهداف، جهان بینی و اراده انسان، ارتباط دیگری میان ما و جهان به وجود می‌آورد؟ نسبت جامعه با تکنولوژی چیست؟ آیا می‌توان رسالتی اجتماعی برای تکنولوژی قایل بود؟ و یا اینکه بر حسب ذات خویش زیر بار چنین رسالتی نمی‌رود؟

متفکران از بدو پیدایش تکنولوژی جدید، از زمان انقلاب صنعتی به نقد و توضیح این پدیده و ارتباط آن با انسان پرداخته‌اند. در این مقاله سعی می‌شود چکیده‌ای از آرای مختلفی که پیرامون تکنولوژی و نحوه مواجهه با آن وجود دارد، جمع‌آوری و تبیین گردد. هدف اصلی این پژوهش یافتن نسبتی درست میان تکنولوژی با جامعه خود ماست. شرحی بوضع موجود آن در جامعه، رویکرد قالبی که وجود دارد و اینکه بتوانیم این وضعیت موجود را با توجه به تمام رویکردهای دیگر بررسی و نقد نماییم و در پایان نحوه درست مواجهه با آن در بستر اجتماعی خویش ارزیابی کنیم که به واقع کدام نگاه و جهت‌گیری نسبت به تکنولوژی منجر به این خواهد شد که نه تنها کم و کاستی‌های آن را تاب آوریم بلکه به آن مفهومی واجد ارزش انسانی ببخشیم.

## ۲- روش تحقیق

مطالعه صورت گرفته بر اساس هدف آن، تحقیقی پایه‌ای، تحلیلی است که با جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، تحلیل و نتیجه‌گیری از آن‌ها به روش توصیفی انجام می‌پذیرد. چارچوب اولیه تحقیق با گردآوری نظرات مکاتب مختلف در حوزه فلسفه تکنولوژی بر مبنای انتخاب دیدگاه‌های مهمی که آرا و منابع مکتوب آنان در کشور ما بیشتر مورد توجه بوده است، شکل گرفته و مؤلفه‌های اصلی این مکاتب در بررسی تطبیقی با اندیشه اسلامی برای تبیین رابطه انسان و تکنولوژی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به این جهت رویکرد آسیب‌شناسانه در تحلیل آرای نحله‌های فکری مورد بحث، مد نظر خواهد بود.

بر این اساس، فرضیه‌های تحقیق به این ترتیب طرح می‌گردند:

- تکنولوژی پدیده‌ای صرفاً ابزاری و خنثی یا به طور کامل خارج از اراده انسان نیست.
- موضع نقادانه در برخورد با تکنولوژی به تبیین نسبت صحیح جامعه با آن خواهد انجامید.
- ماهیت تکنولوژی متفاوت از ابزار تکنیکی است.
- تسلط انسان بر تکنولوژی و خارج شدن از قالب‌های برساخته آن در گرو شناخت ماهیت و محتوای تکنولوژی حاصل می‌شود.
- در نسبت آگاهانه انسان با تکنولوژی، این پدیده دارای رسالت اجتماعی در جهت ارتقای زندگی مادی و معنوی انسان و همراه او در انکشاف حقیقت خواهد بود.

## ۳- پیشینه تاریخی - تحلیلی دیدگاه‌های

پیرامون تکنولوژی متفکران مکاتب مختلف فکری از منظرهای متفاوتی به مقوله نسبت انسان و تکنولوژی نگریسته‌اند که در ادامه به بررسی تحلیلی این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود:

### ۳-۱- تکنولوژی از منظر پدیدارشناسی<sup>۲</sup>

این جریان فکری عمده ساختار نظری خود را از تأملات هایدگر<sup>۳</sup> در باب تکنولوژی اخذ می‌کند. هایدگر را شاید بتوان نخستین متفکری دانست که تکنولوژی را با نگاه پدیدارشناسانه و ذات‌گرا به پرسش می‌گیرد. وی فناوری معاصر را چیزی یکسره متفاوت از مفهوم سنتی آن و اشیای تکنولوژیک را به گونه‌ای می‌بیند که می‌توانند جهان‌های تازه‌ای بر انسان مکشوف سازند و محل بروز رفتارهایی گردند که وی «کارکرد کانونی» اشیای نامد و این تنها در صورتی محقق می‌شود که دنیای تکنیک خود به قالبی تازه برای محدود کردن تجربه انسان بدل نشود (Heidegger, 1994, 14). هایدگر ذات انسان را گشاینده هستی می‌داند و فناوری را چنان برمی‌تابد که همراه وی در این انکشاف باشد. از نگاه او تکنولوژی واسطه میان «انسان، واقعیت و حقیقت» است و می‌تواند انسان را از واقعیت موجود به حقیقت رهنمون سازد. خطری را که هایدگر در برخورد ما با تکنولوژی کنونی می‌یابد، در مفهوم «گشتل»<sup>۴</sup> توضیح می‌دهد. گشتل، به معنای چارچوب و قالب است و انسان را وامی‌دارد تا به جهان از قالبی خاص بنگرد.

آدمی یکی از نسبت‌های زیر را با تکنولوژی برقرار می‌کند:

- اطاعت کورکورانه و اسیر شدن در دام گشتل.

- عصیان کورکورانه مقابل تکنولوژی.

- نسبت اصیل و آزاد و شناخت ماهیت تکنولوژی. (Bernstein, 1994, 52-55).

راهکار هایدگر برداشتن سه گام است:

- مخاطب قرار دادن تکنولوژی از طریق پرسش انتقادی.

- محدود نمودن ادعای تکنولوژی در مورد کلیت داشتن.

- تلاش برای غنا بخشیدن به مفهوم تکنولوژی و نگریستن به آن به عنوان راهی برای انکشاف حقیقت.

برخی از متفکران پس از هایدگر به دلیل گسترش تکنولوژی در عرصه‌های اجتماعی، نقدهای بنیادی تری بر آن مطرح می‌کنند. چنانکه یاسپرس<sup>۵</sup> جوامع جدید را اسیر نیروی مستقل و خودمختار تکنولوژی می‌بیند. همان دو ویژگی که از نظر ژاک الول<sup>۶</sup> اصلی‌ترین چالش‌های تکنولوژی در ارتباط با روح انسانی است. وی در کتاب «جامعه‌شناسی تکنولوژیک»<sup>۷</sup> خصلت‌های دیگری مانند برگشت‌ناپذیری، فراگیر بودن، کلیت و وحدت ذاتی را به آن نسبت می‌دهد. از نظر او فناوری مستقل از اراده ما و عوامل بیرونی، شرایطی را تحمیل کرده که به سبب یگانگی و پیوند ذاتی، نمی‌توان بخشی از آن را برگزید و بخش دیگر را وانهاد.

تمایزی که هایدگر میان تکنیک مدرن و سنتی قایل است از نظر بورگمان<sup>۸</sup> میان معنای تکنولوژی در عصر مدرن و پسامدرن به نحوی دیگر وجود دارد. تکنیک مدرن در جهت غلبه بر عوارض طبیعت عمل می‌کند. ولی در جهان پسامدرن حالتی انعطاف پذیر به خود گرفته، جهان ما را به داده تغییر می‌دهد. وی این خطر را پیش روی می‌بیند که انسان در سیر تبدیل به سوژه کنترل، به نقطه «امیال آزادکامانه» فرو کاسته شود. راهکار بورگمان ایستادگی در برابر رفتارهای تکنولوژیک و پرورش رفتارهای زاییده از اشیای کانونی است. (Dryfus & Espinoza, 2009, 12)

تفکر نقادانه به تکنولوژی با دید پدیدارشناسی میان صاحب‌نظران ایرانی مانند داوری اردکانی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. وی تکنولوژی را وسیله و ابزار صرف نمی‌داند و در مواجهه با آن معتقد به شناخت حقیقت و ذات تکنولوژی است. دیدگاه وی از این لحاظ به نظر هایدگر مبنی بر عبور از ظاهر تکنیک به معنای ابزار تکنولوژیک و شناخت ماهوی آن نزدیک است. وی نظرات پیرامون تکنولوژی را در سه قالب می‌گنجاند:

- آنان که تکنولوژی را ابزار می‌پندارند و مدعی‌اند پدیده‌ای خنثی است که خوب و بد آن را نحوه استفاده ما تعیین می‌کند.

- گروهی مانند مارکسیست‌ها بر این نظرند که تکنیک ابزاری است که در جهان طبقاتی از اختیار بشر خارج شده و راهکار آنان تغییر نسبت انسان با تکنولوژی در غالب تغییر نظام طبقاتی است.

- دیدگاه سوم ابزار تکنولوژیک را از ماهیت آن جدا می‌داند و معتقد است آزادی و دوری از اسارت در جهان تکنولوژیک با فهم ما از ماهیت و حقیقت آن صورت می‌گیرد (Davari, 1999, 194).

ویژگی تکنولوژی را به مثابه پدیدار می‌توان چنین برشمرد:

- تکنولوژی صرفاً یک امر فنی، اقتصادی یا چیزهای دیگر نیست.

- تکنولوژی حاصل نوعی «رویدادگی» است، یعنی اتفاق می‌افتد، هست می‌شود و خود را بر اراده ما تحمیل می‌کند. بنابراین پیامدهایی داشته که خارج از اراده‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است.

- تکنولوژی ارتباطی پیچیده با شبکه گسترده‌ای از معانی و نهادهای دوران جدید مثل قدرت، سیاست، رسانه‌ها و... دارد.

- تکنولوژی فراسوی خیر و شرها، پسندها و ناپسندها، مفروضات و ایدئولوژی‌های ما قرار می‌گیرد.

- نمی‌توان گفت که تکنولوژی فی‌نفسه زشت (تأمین رفاه، بهداشت) یا زیباست (استثمار، فقر، فاصله طبقاتی، جنگ و...) است.

### ۳-۱-۱- وجه نقد پدیدارشناسی از تکنولوژی

- تفاوت ذاتی و ماهوی میان تکنولوژی جدید و سنتی.

- فهم تکنولوژی به مثابه امکانی برای گشایش هستی.

- نقد آن به عنوان چارچوب محدود کردن تجربیات انسانی.

- خطر تعرض به ساحت انسان و طبیعت.

- خطر خودمختاری تکنولوژی در تغییر شرایط انسانی.

- حفظ بینش انتقادی و پرسش از جهان تکنولوژیک.

### ۳-۱-۲- بررسی انتقادی دیدگاه پدیدارشناسی

تکنولوژی به عقیده خود پدیدار شناسان و رای برنامه‌ریزی‌ها و خواسته‌های ما در جریان است و وحدت درونی آن ناگسستنی می‌نماید. اگر راهی برای کنترل تکنولوژی وجود دارد، گسست همین وحدت است. ولی باید دانست که تکنولوژی امروز به مانند قدیم به سادگی در معرض درک افراد قرار نمی‌گیرد. در واقع تولید و گسترش تکنولوژی به امری انحصاری بدل گشته است.

ما در جهان مدرن با ابزارهایی روبرو می‌شویم که نه تنها درک ماهیت آن‌ها دشوار است بلکه حتی چگونگی عملکرد فنی و فیزیکی آن‌ها نیز برای هر کسی قابل فهم نیست و این چنین انسان به درون یک فضای مجهول پرتاب می‌شود. حلقه گمشده در نسبت انسان و تکنولوژی، مقیاسی است که این دورا به هم پیوند می‌زند. مقیاس فرانسائی تکنولوژی آن را به پدیده‌ای تبدیل کرده که مرزهای خود را بیرون از حیطه ادراک ما می‌گسترده. در حالی که تکنیک سنتی واجد کیفیت ویژه‌ای بود که انسان می‌توانست در قبال آن به فرآیند ادراک و خویشمندی‌سازی بپردازد.

چنان که گفته شد تکنولوژی امروز بر خلاف همه‌گیری ظاهری، کاملاً انحصاری است و این ساختارهای دیگر چون سیاست، قدرت و سرمایه هستند که نسبت انسان معاصر با آن را تعریف می‌کنند. نگاه پدیدارشناسانه به تکنولوژی، توضیح شرایط حادث شده است. اما سؤال این است که چگونه تکنولوژی در راه تبدیل شدن به یک نیروی مختار، مستقل و وحدت یافته قرار گرفته است؟

### ۲-۳- تکنولوژی از منظر سنت‌گرایان تاریخی<sup>۹</sup>

منتقدان سنت‌گرا و اسلاف آن‌ها از اوایل انقلاب صنعتی با تکنیک و گسترش آن بنای مخالفت گذاشتند. به عقیده آنان آنچه هستی انسان را به محاق نابودی می‌کشاند، تکنولوژی مدرن است که باید از آن دست شست و به تکنیک ساده و متوسط پناه آورد. نگاه رمانتیک سنت‌گرایان تاریخی، تکنیک را موجودی هیولایی می‌داند که اگر همین گونه گسترش یابد، همه ارزش‌های انسانی را به تباهی می‌کشاند (ibid, 186).

تصویر هیولایی که اندیشمندان سنت رمانتیسیم<sup>۱۰</sup> قرن ۱۹ مانند موریس<sup>۱۱</sup> و راسکین<sup>۱۲</sup> با تأکید بر ابعاد منفی تکنولوژی مدرن در نابودی روح اشیا و جوامع ارائه می‌دهند، می‌توان تا حدودی احساسی و شاعرانه دانست. بازگشت به روش‌های تولیدی پیشین و حفظ نهادهای اجتماعی سنتی اگرچه در قالب فرهنگی برای تداوم حافظه تاریخی یک جامعه باید مورد توجه قرار گیرد ولی آیا می‌تواند پاسخی فراگیر به نیازهای کنونی جوامع ارائه دهد؟

### ۱-۲-۳- وجوه نقد سنت‌گرایی از تکنولوژی

- نفی کامل تکنولوژی مدرن،
- از دست رفتن ارزش‌های انسانی،
- نابودی روح اشیا و ساخته‌های بشری،

- بازگشت به روش‌های تولید در گذشته،
- احیای هنرها و صنایع دستی.

### ۲-۲-۳- بررسی انتقادی دیدگاه سنت‌گرایی

تکنولوژی مدرن پس از طلوع نه چندان روشنش در عصر انقلاب صنعتی همراه با آسیب‌های جدی بر محیط زیست و سلامت و مصایبی که برای طبقات ضعیف، کارگران و مهاجران به دنبال داشت، رفته رفته به ترمیم گذشته و مشکلاتی که خود زاینده آن بود، پرداخت. هر چند که این درد به طور کامل التیام نیافت، ولی برخی ساختارهای اجتماعی شروع به پوست اندازی نمودند.

تصور هولناکی که سنت‌گرایان از تکنیک جدید ساخته و تمام مظاهر آن را مخرب و فاقد روح انسانی می‌دانند، تا حدی از حقیقت فاصله دارد. ما با ابزارهای تکنولوژیک دریافتی جدید از هستی را آغاز کرده ایم. اطلاعات به عنوان داده‌های خام آگاهی از اختیار طبقات خاص خارج شده و زیر ساخت‌های زندگی اجتماعی مانند بهداشت، حمل و نقل و ... توسط آن توسعه یافته‌اند.

شاید چالش اصلی سنت‌گرایان این باشد که نیازهای جوامع تکنولوژیک، ساخته چیزی است که بر آوردن نیازها را از آن طلب می‌کنیم. سؤال این است که آیا گسترش نظام تکنولوژیک سبب تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی می‌شود و یا بالعکس با تغییر محتوای فرهنگی. اجتماعی جوامع، ساختارهای نوین تکنیکی معطوف به این تغییرات به وجود می‌آیند؟ سنت‌گرایان در نقد تکنولوژی قایل به گزاره نخست هستند. به این معنی که ساختارهای قدرت به وسیله ابزار تکنولوژیک چارچوب فرهنگی جوامع را دگرگون می‌کنند. اگرچه این نگاه از واقعیت دور نیست اما به واقع این دو در گرو یکدیگر شکل می‌گیرند و ارتباطشان پیچیده تر از رابطه یک طرفه است. شرایط کنونی جوامع، آمیزه‌ای است از تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و عوامل فنی و کالبدی که همان تکنیک است که البته همواره تغییرات به وجود آمده و تأثیر آن بردیگری خالی از اشتباه و ناآگاهی نبوده است.

### ۳-۳- پوزیتیویسم<sup>۱۳</sup>، علم باوری و تکنومداری

اثبات‌گرایان (پوزیتیویست‌ها) از عصر روشنگری که با دکارت<sup>۱۴</sup> و کانت<sup>۱۵</sup> آغاز می‌شود، خردگرایی را یگانه ابزار شناخت انسان می‌دانند. علم از نظر آنان قادر است تمام زوایای هستی را به مثابه طبیعت مادی و فیزیکی روشن سازد. تکنولوژی در این جهان بینی که بر اساس زوج عقل و تجربه بنا نهاده شده، ابزار انسان برای سلطه و تصرف

در طبیعت است و چون این تصرف را از منظر شناخت و انکشاف می‌نگرد، هیچ مرزی برای آن قایل نیست.

دیگر رویکردهایی که از این منظر فکری به مقوله تکنولوژی نگریسته‌اند، تکنومداران هستند که در معماری نیز شاهد ظهور دیدگاه‌هایشان هستیم. نظریه پردازان «های. تک»<sup>۶</sup> انسان را محصول زمان خویش می‌دانند. هردوره‌ای انسان خویش را با مقتضیات خود پرورده و عصر دانش و تکنولوژی نیز انسان و محیط تکنولوژیک را طلب می‌کند. فناوری به مدد علم گره‌گشای

مسایل انسان و هستی است و می‌تواند حتی مشکلات جوامع را در مواجهه با خود تکنولوژی حل نماید.

### ۳-۳-۱- وجوه نقد پوزیتیویستی از تکنولوژی

- آری گویی بی‌بدیل به تکنولوژی،

- نگاه ابزاری به علم و فناوری برای انکشاف هستی،

- ارتباط گریزناپذیر انسان و تکنیک،

- تعریف آن به مثابه روح جهان امروز و مشخصه انسان مدرن.

### ۳-۳-۲- بررسی انتقادی دیدگاه اثبات‌گرایی

این دیدگاه در عصر ما در قالب تکنومداری ظهور می‌یابد و عموماً متعلق به کسانی است که در بدنه تکنولوژی فعالیت می‌کنند. ادعای تکنومداران انسان را در مقابل تکنولوژی از ماهیت آن بی‌خبرها می‌کند. آنچه در عمل اتفاق می‌افتد گسترش اشیاء تکنولوژیک به حدی است که در پیچه نگاه ما به جهان تنها از قاب این پدیده‌ها خواهد بود. وقتی اشیاء تکنولوژیک با ماهیت تکنیک یکسان انگاشته می‌شود خطر انحصاری شدن و فرارفتن آن از مقیاس انسانی وجود دارد. وضعیت کنونی حاصل همین تفکر است که جهان را به عنوان یک منبع و ذخیره می‌نگرد و انکشاف ما در جهان، همان استخراج این ذخیره است. این نگاه به طور جدی تا دهه هفتاد میلادی بی‌وقفه ادامه یافت ولی نگرانی‌های زیست محیطی، مباحث توسعه پایدار و... منجر به نقدهایی به آن شد.

### ۳-۴-۳- سنت‌گرایان معنوی

سنت‌گرایی معنوی<sup>۱۷</sup> جریان فکری است که با انتقاد از روح صنعتی و مادی جهان مدرن، بازگشت به سنن فرهنگی گذشته در قالب معنویت را چاره‌ساز گم‌گشتگی انسان

مدرن می‌داند. این جهان‌بینی از پایگاه سنت دینی به نقد مدرنیته و ساختارهای آن که بر مبنای تفکر خردباور و انسان‌گرا شکل گرفته‌اند، می‌پردازد.

تیتوس بورکه‌هارت<sup>۱۸</sup> در مورد تکنولوژی قایل به نقد خردمندان آن مانند سایر پدیده‌های دنیای مدرن از چشم‌انداز معنوی است. وی زمینه‌های نقد تکنولوژی را فقدان بُعد آسمانی و معنوی آن و نیز تأثیر مخرب آن بر محیط اجتماعی و زیستی معرفی می‌کند.

سید حسین نصر به دنبال رابطه ارزشی و کیفی انسان و ابزار تولید، تکنولوژی را عامل ایجاد فاصله میان انسان و طبیعت، تشدید فقر و اختلاف طبقاتی می‌داند، چرا که تکنولوژی مدرن بر طمع انسان برای سلطه و افزون خواهی مبتنی شده است. از نظر او نباید چنین استدلالی را پذیرفت که تنها راه رسیدن به زندگی توأم با بهروزی، تکنولوژی مدرن است. وی نگاه ابزاری و خنثی بودن آن را مورد نقد قرار می‌دهد و بر این باور است که تکنولوژی مدرن از لحاظ فرهنگی و جهان‌بینی جهت‌دار است.

راهکاری که نصر پیشنهاد می‌کند عبارت است از:

- حفظ آنچه که هنوز بر جای مانده است مانند بافت شهرهای سنتی و نیز جلوگیری از نابودی بیشتر این ساختارها،

- تلاش برای ایده و الهام گرفتن از روشهای سنتی،

- توجه به بعد آموزش در مورد مفاهیم و تکنولوژی‌های سنتی، مانند تأسیس دانشکده‌های معماری اسلامی (Nasr, 2006, 104).

### ۳-۴-۱- وجوه نقد سنت‌گرایی معنوی از تکنولوژی

- دید نه چندان خوش‌بینانه و انتقادی به تکنولوژی،

- عدم وجود روح معنوی و آسمانی در آن،

- تأکید بر رابطه ارزشی و کیفیت‌گرا میان انسان و تکنیک،

- نقد دیدگاه خنثی و ابزاری به تکنولوژی از منظر جهان‌بینی،

- استفاده از تکنولوژی جدید در حد کمینه<sup>۱۹</sup>،

- احیای سنت‌های ساخت که مبنای فرهنگی و معنوی دارند،

- حراست از بازمانده‌ها و فرهنگ سنتی ساخت و تولید.

### ۳-۴-۲- بررسی انتقادی سنت‌گرایی معنوی

سنت‌گرایی معنوی هنگام سخن از تکنولوژی تمام آنچه را که به نوعی در ارتباط با علم و فرهنگ غربی است، در یک قالب قرار داده و به بوته نقد می‌کشانند. این که تکنولوژی مدرن خالی از بعد معنوی است، قضاوتی عجولانه بر

مبنای پیشداوری ایدئولوژیک است. آیا تمام فرهنگ تکنولوژیک را می‌توان تهی از معنویت دانست؟ کسانی که قایل به چنین اندیشه‌ای هستند تکنولوژی را از نظر ایدئولوژیک جهت‌دار می‌دانند. اما جهت‌داری ویژگی ذاتی آن نیست، بلکه به سبب انحصاری شدن، تبدیل به رسانه‌ای برای بیان اندیشه‌ای خاص شده است. ولی همواره اندیشه‌های آزاد با همان ابزارهای تکنولوژیک، به جستجوی مفاهیم دیگری جدا از تفکر غالب بوده‌اند.

سنت‌گرایان معنوی نیازهای جوامع مدرن را نیازهای غیر واقعی می‌دانند، به این معنا که انسان در چرخه بی‌پایان نیازسازی و برآوردن نیاز اسیر می‌گردد. چنانکه آنان می‌گویند مسلماً تکنولوژی یگانه راه سعادت نیست ولی آن را می‌توان به مثابه امکانی نو در رابطه انسان و هستی باز شناخت. بازگشت به تکنولوژی و روش‌های گذشته با توجه به سنت‌های فرهنگی شاید پاسخگوی برخی از مسایل باشد ولی بسیاری از ساختارها دور از دسترس تکنولوژی سنتی می‌مانند. شماری از اشیای تکنولوژیک بر حسب تجربه‌های تاریخی بشر شکل گرفته‌اند. ما نمی‌توانیم هواپیما، قطار، کارخانه‌های صنعتی و... را دوباره اختراع کنیم، اما می‌توانیم نسبتی تازه میان انسان و تکنولوژی تعریف نماییم.

### ۳-۵- تکنولوژی از منظر مارکسیسم و چپ‌گرایی انتقادی

رویکرد جریان چپ به تکنولوژی دو راه متفاوت را می‌پیماید:

نخست راهی که خود مارکس و پیروان آن در توضیح جوامع بر اساس نظام طبقاتی پیش می‌گیرند که تکنولوژی را باید به عنوان یک ابزار نگریست که این ابزار البته در جوامع بورژوازی و سرمایه‌داری از کنترل انسان خارج شده و سبب از خودبیگانگی وی و بیشتر شدن فاصله طبقات گردیده است. در این منظر رسالت تکنولوژی در جامعه سوسیالیستی، بهبود نظام تولید و از بین بردن شکاف طبقاتی است. راه دیگر، رویکرد چپ‌گرایان انتقادی مانند هابرماس، مارکوزه و پیروان مکتب فرانکفورت<sup>۲۰</sup> است که نگاه انتقادی و بدبینانه‌ای به دستاوردهای تکنولوژی دارند. ماشینیزم از نظر آنان، انسان مدرن را به محاق‌های انکاری کشانده است. انسانی که هویت فراموش شده خویش را در قالب اشیاء جستجو می‌نماید و به دنبال سلطه بر طبیعت تمامیت آن را سرکوب می‌کند. آنان تکنولوژی را ابزار بی‌طرف و خنثی نمی‌انگارند. بلکه سلطه تکنیک و ماشین را حاصل ذات سلطه‌جو و تمامیت

خواه سرمایه‌داری می‌دانند که بشر را به اسارت در چرخه تولید و مصرف سوق می‌دهد (Feenberg, 1996, 67).

### ۳-۶- تکنولوژی از منظر تفکر اسلامی

تفکر اسلامی وجه تمایزی که با سنت‌گرایی معنوی دارد، توجه به بنیادهای اندیشه اسلامی و نگاه مفهومی به احکام آن در ورای سنت‌هاست. اندیشه اسلامی نه خود را درگیر با اصول سنتی در جوامع اسلامی می‌کند و نه یکباره پدیده‌ای را با تمام عوارض آن می‌پذیرد. اندیشه اسلامی از پایگاه اصول جهان‌بینی خود به نقد هر دو دریافت سنتی و مدرن از پدیده‌ها می‌پردازد. در واقع نفی یا تأیید یک مقوله در گرو سنتی یا مدرن بودن آن نیست، بلکه در گرو میزان انطباق با ارزش‌های ایدئولوژی اسلامی است.

اندیشه اسلامی تکنولوژی را مانند هر پدیده مصنوع دیگر، ابزاری به دست اراده انسان می‌داند که از این دریچه پدیده‌ای خنثی است که مسئولیت کارکرد آن بر عهده انسان است و آنچه به عنوان عوارض تکنولوژی پدید آمده، بر اثر فراموشی مفاهیم معنوی است. ولی چون تکنولوژی به خودی خود کلیت مفهومی و مستقل ندارد، یکسره نباید به نفی آن پرداخت. موضع متفکران دینی و علمای اسلامی احیاگر و اصلاح‌گر در قبال تکنولوژی موضع پذیرا اما نقاد و گزیننده است. کسانی چون امام خمینی (ره)، دکتر مطهری و علامه طباطبایی، معیارهای نقد و پذیرش مظاهر تمدن جدید را در سه عامل مطرح می‌کنند:

۱- تعالیم و احکام اسلام،

۲- مصالح کشور و مردم،

۳- عدم وابستگی و استقلال.

امام خمینی (ره) جدایی و ستیزی میان علم و دین قایل نبودند، بلکه ابداعات، نوآوردها و صنعت پیشرفته را مورد تأیید اسلام و هر مکتب توحیدی می‌دانند. متفکران اسلام‌گرا کوشیده‌اند علاوه بر دوری از آفات اندیشه غربی، جایگاه علم و دین را بدون جداانگاری این دو ترسیم کنند (Heidari, 1999, 10).

### ۳-۶-۱- وجوه نقد اندیشه اسلامی از تکنولوژی:

- عدم جدایی مفهومی علم و دین در حوزه نظری،  
- نقد تکنولوژی و مظاهر مدرنیته از دیدگاه اعتقادی و ارزشی،  
- پذیرش نقادانه، محتاط و گزیننده مظاهر تکنولوژی،  
- آگاهی از بعد مثبت فناوری نوین برای رفاه و سعادت جامعه،

مکاتب فکری	دیدگاه	مواضع	نقد به تکنولوژی	نسبت با انسان	مبانی فکری	راهکارها	نظریه پردازان
پدیدارشناسی	ماهیت‌گرا	پذیرش نقادانه	- تبدیل شدن به چارچوب محدود کننده - خطر آسارت انسان در امیال خود کامانه - خود مختاری، کلیت یافتگی، کنترل اراده	مفهومی، انسان عامل آگاه	اصالت وجود پسامدرنیته پدیدارشناسی	- پرسش از ماهیت تکنولوژی - تکنولوژی، عامل انکشاف هستی - حفظ رویکرد انتقادی و پرسنده	- هایدگر - بورگمان - یاسپرس
سنت‌گرایی	جبرگرا	نفی و نقد تکنولوژی	- نابودی هنجارهای انسانی - فقدان روح انسانی در تولیدات و صنایع	مخرب	رمانتیسیم	- بازگشت به گذشته و نفی مدرنیته - احیای صنایع و هنرهای دستی	- ویلیام موریس - جان راسکین
مارکسیسم	اراده‌گرا ابزاری	پذیرش بر پایه ایدئولوژی	- از دست رفتن کنترل انسان بر تکنولوژی - لجام گسیختگی آن در نظام طبقاتی	سازنده	کمونیسم ماده‌گرایی تاریخی	- تعریف دوباره نسبت انسان و تکنولوژی بر اساس از بین رفتن جامعه طبقاتی	مارکس
سنت‌گرایی معنوی	ماهیت‌گرا جبرگرا	عدم پذیرش قناعت، کمینگی	- تهی شدن از بعد معنوی و آسمانی - جهت دار بودن ارزشی تکنولوژی	مخرب	کتاب آسمانی سنن فرهنگی	- توجه به رابطه کیفی انسان و تولید - احیای سنت‌های ساخت و تولید - کمیته‌گرایی و قناعت در استفاده	- بورکهارت - نصر
جریان چپ انتقادی	ماهیت‌گرا جبرگرا	نگاه بدبینانه عدم نفی کامل	- شی‌انگاری انسان - سلطه ماشینیزم و روح جامعه مصرفی	مخرب	مکتب فرانکفورت	- خود آگاهی در نسبت با تکنولوژی - پرسش و نقد دنیای تکنولوژیک	- مارکوزه - هابرماس
اثبات‌گرایی	اراده‌گرا ابزاری	پذیرش کامل	- چالش با ساختارهای سنتی - تکنولوژی به مثابه روح جهان امروز	سازنده	خرد گرایی، علم باوری،	- رفتن به سوی جامعه «های تک» - تکنولوژی برای رفاه و کشف هستی	- دکارت - کانت
اسلام‌گرایی	اراده‌گرا ابزاری	پذیرش نقادانه و انتخاب‌گر	- خطر جدایی تکنولوژی از ارزش معنوی - ورود تکنولوژی به همراه اثرات مخرب	مفهومی سازنده	شریعت اسلام	- آگاهی از جنبه سودمند تکنولوژی - نقد آن از پایگاه ارزشی و اخلاقی - عدم تمایز و تضاد میان علم و دین	- امام خمینی (ره) - علامه طباطبایی - استاد مطهری

جدول ۱- بررسی و تفکیک دیدگاه‌های پیرامون تکنولوژی (مأخذ: نگارندگان).

- نگاه ابزاری که تکنولوژی را معطوف به اراده انسان می‌داند. جمع‌بندی دیدگاه‌های بررسی شده پیرامون تکنولوژی از لحاظ نحوه پذیرش، موضع انتقادی و تعامل آن با انسان در جدول ۱ آمده است.

### ۳- بحث ۱-۳- نسبت تکنولوژی با اندیشه دینی

آنچه منجر به جدایی ساحت علم و دین در اندیشه انسان غربی شد، جزمیت دستگاه فکری قرون وسطایی در جدا انگاری ماده و طبیعت از متافیزیک بود. در معیارهای قرون وسطی کار اندیشه در نسبت با هستی، گونه‌ای «اندرپذیرندگی» است و هیچ‌گونه آفرینشی ندارد، چرا که آفرینش از مقوله «خودانگیختگی» است (Moradi, 2014). گرچه این رابطه به دلیل تغییر بنیان‌های متافیزیکی غرب دگرگون شد، اما به زودی گونه‌ای ساده‌انگاری و جزئی‌نگری بر ساحت علم سلطه یافت که آن را در تعارض

با هستی‌شناسی دینی قرار می‌داد. از این رو علم دیگر نه به مثابه قوه الهی شناخت هستی، که به عنوان عامل استیلائی انسان بر طبیعت، مبانی معرفت‌شناسی را در غرب دچار دگرگونی نمود.

در اسلام مفهوم «سنت الهی» مقوله‌ای است که جایگاه خردورزی را در شناخت هستی آشکار می‌کند. ماده و طبیعت در این تفکر به عنوان پدیدارهای منفعل و فاقد روح و شعور ادراک نمی‌گردند، بلکه به واسطه قوانین قابل انکشاف در مسیر تکوین قرار می‌گیرند. این جریان فعالانه نظام هستی همان مفهوم سنت الهی است و انسان را به عنوان سوژه آگاه و اندیشمند در تعامل با خویش می‌پذیرد. در این معنا علم و تکنولوژی را نمی‌توان به ذات غیردینی انگاشت، بلکه تعریف علم از منظر جزئی‌نگر و متصرفانه، آن را در تعارض با دین قرار می‌دهد و پدیداری ابزار تکنولوژیک را معطوف به تصرف، شی‌انگاری و مصرف می‌بیند. حاصل

این نگاه چنانکه «هربرت مارکوزه» می‌گوید به پدید آمدن انسان تک‌ساحتی در این جوامع می‌انجامد.

بنابراین مفهوم فناوری در نسبت با انسان نه منبعث از ساختارهای درونی خویش، که در رابطه با بستر فکری اندیشنده تعریف می‌گردد. تفاوت معنا و کارکرد فناوری در اندیشه اسلامی و آنچه در جهان معاصر فهم می‌شود، ریشه در تفاوت پارادایم فکری این دو دریافت‌شان از علم، مدرنیته و انسان‌شناسی دارد. مدرنیته به فعلیت درآمده در جهان کنونی معنای خویش را به عنوان نوشدن و گسترش عرصه‌های هستی گم کرده و به انگاره‌ای برای به قالب درآوردن تجربه انسان تبدیل شده، حال آنکه از منظر اسلامی، مدرنیته به عنوان نوشدگی و رهایی از واپس‌گرایی نه تنها پذیرفته که شالوده دین را تشکیل می‌دهد.

از این رهگذر فناوری می‌تواند نسبتی سازنده با دین و فرهنگ بیابد در صورتی که پیش از پذیرش بی‌چون و چرای مظاهر تکنولوژیک، گونه‌ای دیگر از حرکت به سوی فناوری و مدرنیته را بر مبنای پرسش از چیستی و چرایی این دو مقوله و دریافتن ارتباط آنان با بستر دینی و فرهنگی خویش آغاز کنیم. نقطه آغازین این عزیمت، برپایی ساختار نظری شکل یافته از این بستر و درک واقعی کارکرد فناوری و اولویتهای به کارگیری آن در حوزه اجتماعی است. از این رو ارتباط فناوری با بُعد کالبدی در شکل‌گیری زیرساخت‌ها و ایجاد ارتباط معنا دار میان این پدیده و جامعه بر اساس نیازهای حقیقی - و نه نیازسازی و کاربرد صوری - می‌تواند بسیار دارای اهمیت باشد.

### ۳-۲- نسبت تکنولوژی با اراده انسان

هر اندیشه‌ای پیرامون تکنولوژی باید ابتدا نسبت اراده بشر را با آن تبیین نماید. تعیین این نسبت بخش مهمی از فهم جهان تکنولوژیک و تعریف ما از این پدیده را روشن می‌سازد و تنها در این صورت می‌توان به برقراری رابطه‌ای فارغ از کاستی و آسیب میان انسان و تکنولوژی چشم داشت. همزمان با رشد تکنولوژی تبعات ناگوار آن نیز شروع به خودنمایی کرد. آلودگی محیط زیست، کشتار جمعی، بحران‌های اجتماعی و اخلاقی و ... این مسایل باعث شد که نگرش‌های انتقادی در بین متفکران به وجود آید. اما به راستی تکنولوژی به طور ذاتی عامل این بحران‌هاست؟ آیا در بطن خود واجد معنایی است که می‌تواند نظام ارزشی ما را دستخوش تغییر کند؟ برای مواجهه جریان‌های مختلف با این پرسش می‌توان دسته‌بندی زیر را ارائه نمود:

- رویکرد جبرگرا<sup>۱۱</sup>: معتقد به سلطه و کنترل تکنولوژی بر زندگی، خود مختاری و استقلال آن، عدم کنترل انسان بر ساختار آن و کلیت و وحدت مفهومی تکنولوژی است.

- ابزار انگاری یا بی‌طرفی ارزشی تکنولوژی: آن را صرفاً ابزاری می‌داند برای ایفای نقش یا برآوردن نیازی ویژه.

- رویکرد اراده‌گرا<sup>۱۲</sup>: انتخاب بشر تأثیر قطعی بر تفسیر و استفاده تکنولوژی دارد و این انتخاب‌ها بر اساس ارزش‌هایی است که مستقل از تکنولوژی هستند (Homayoun vala, 1998, 257).

همانگونه که دگرگونی محتوای نگرش به هستی، کالبد فرهنگی جوامع را تغییر می‌دهد، تغییرات کالبدی فرهنگ و جامعه. مانند بسط تکنولوژی جدید- انسان را در پارادایم فکری متفاوتی قرار داده و نگرش او را دچار تغییر می‌نماید. مقاومت در برابر تمام ابعاد این تغییرات، منافی زمان‌مندی انسان است و او را از انکشاف ابعاد تازه هستی باز می‌دارد. از سوی دیگر و انهدان خود در سیر این دگرگونی، حیثیت آگاه انسان را از میان برده و او را در قالب نحوه محدودی از زیستن اسیر می‌سازد. موقعیت انسان معاصر در «فضای تکنولوژیک» واقع شده و آگاهی به مثابه نیرویی است که او را از اتاق در بسته بیرون می‌برد و امکان نگرستن به وضع خویش را در قبال آن پدید می‌آورد.

تکنولوژی نه تقدیر جبری بشرو نه ابزاری خنثی و تهی از معنای وجودی، نه پدیده‌ای است که خود را یکسره تحت اختیار و مسئولیت بشر قرار دهد. ماهیت تکنیک مفهومی دوگانه است که می‌توان آن را «تقدیر آزادانه» دانست و انسان در نسبت با آن چون خواب‌آلوده‌ای است که تلاش می‌کند خود را بیدار نگه دارد. تکنولوژی لاجرم وجود می‌یابد و به حیث ویژگی‌های درونی اش بر جوه کالبدی فرهنگ و نگرش انسان تأثیر خواهد نهاد. اما باید دانست این اثرگذاری با نگرش جبرگرا یا اراده‌گرا متفاوت است.

رویکرد جبرگرایانه، ارادی یا خنثی بودن تکنولوژی معطوف به نسبت آگاهی ما به این پدیده است و این میزان آگاهی است که رابطه اراده و خواست ما با آن را تعیین می‌کند. گام برداشتن در راه شناخت ماهوی تکنولوژی و مواجهه پرسشگرانه با آن تنها راه تسلط اراده ما بر این پدیده است که می‌تواند قالب‌های برساخته‌ای را که تکنولوژی بر نگاه ما تحمیل می‌کند، فروریزد.



### ۳-۳- جغرافیای توسعه تکنولوژی

نگاهی به روند پیدایش و بسط تکنولوژی در جوامع در حال توسعه و مقایسه آن‌ها با جوامع توسعه یافته در فهم نسبت جامعه ما با این پدیده ضروری به نظر می‌رسد.

نهضت علمی که در اروپا در قرن شانزدهم به همت دانشمندی چون گالیله، بیکن، دکارت و دیگران به دست آمد، نوید تسلط بر طبیعت در راستای منافع انسان را سر داد. هنگامی که انسان در زمینه‌های کاربردی، اندیشه‌های نظری را به خدمت گرفت، «تکنیک» متولد شد و در بستر تولید و مصرف رشد کرد. از قرن معاصر جهان به گونه‌ای پیش می‌رود که گویی نبود تکنولوژی در آن به نوعی معلولیت می‌ماند، چرا که بر همه ابعاد زندگی سایه انداخته و حذف آن باعث مختل شدن روند زندگی می‌شود.

بخش دیگر جغرافیای انسانی را جوامع توسعه نیافته و یا در حال توسعه تشکیل می‌دهد. جوامعی که خود این روند را طی ننموده، بلکه به ناگاه با امکانی به نام تکنیک مواجه گشته‌اند. به عنوان مثال نخستین تلاش‌ها برای توسعه صنایع در ایران به اواسط سده نوزدهم برمی‌گردد. روند صنعتی شدن، جامعه آن روز ایران را به صورت تقلیدگر دنیای توسعه یافته درآورد. تکنولوژی با همه‌ای از تمدن غرب به ایران وارد شد و هنجارهای فرهنگی جدیدی به این سرزمین آورد که اغلب در مقابل ارزش‌های پیشین قرار می‌گرفت. این تقابل باعث ایجاد شکاف فرهنگی بین نسل‌های پیشین و جدید جامعه گردید. در این گونه جوامع طبقه‌ای ظهور می‌کند که با مظاهر جامعه تکنولوژیک آشنا گشته اما با فرهنگ آن بیگانه است. به این جهت لزوم بسترسازی فرهنگی در چنین جوامعی بیش از هر چیز ضروری است.

### ۳-۳-۱- وضعیت گذشته

در کشور ما، در سال‌های ابتدایی انقلاب، درگیری کشور با تغییر ساختارهای سیاسی و اجتماعی پیشین و نیز آسیب‌های ناشی از جنگ تحمیلی باعث شد که در آن سال‌ها، توجه به مقوله پیشرفت علمی و صنعتی با موانعی روبرو گردد. پس از دفاع مقدس هشت ساله، نگاهی ویژه به سازندگی و توجه به زیرساخت‌های صنعتی شدن به ظهور رسید. این توجه به دلیل شرایط کشور پس از انقلاب و جنگ در واقع معطوف به مظاهر صنعتی و وجهه کارکردی و عملی آن می‌شد، چرا که در آن شرایط، کشور نیاز بحرانی و ضروری به ترمیم درونی خویش احساس می‌کرد. آنچه هم اکنون پس از گذار از آن دوره حائز اهمیت است

توجه به این نکته می‌باشد که گرچه نمی‌توان و نباید نگاهی نفی‌گرایانه به مفهوم تکنولوژی در جهان معاصر داشت ولی نحوه آری‌گویی و پذیرش ما در مواجهه با این پدیده باید چگونه تبیین گردد؟

### ۳-۳-۲- رویکرد کنونی

برنامه‌ریزی اکنون جامعه ما، مبتنی بر پیشرفت علمی و صنعتی، تولید علم و جهش تکنولوژیک است که البته در برخی موارد در حیطه نمادهای ظاهری خلاصه می‌گردد. آنچه تفکر تکنولوژیک و ارتباط انسان با آن را فراخ‌تر می‌نماید، حضور تکنولوژی در جایی است که باید واقعاً حضور داشته باشد. ضرورت امروز جامعه ورود تکنولوژی به بدنه اجتماع و لمس کارکرد آن به عنوان پدیده‌ای در خدمت انسان توسط توده مردم است.

روند ورود تکنولوژی به حوزه اجتماعی ضرورتاً نیازمند اولویت‌بندی است. نگاه فرهنگی به آن نمی‌تواند بازگشت سنت‌گرایانه باشد، چرا که پاسخگوی حجم مسایل امروز نیست. ولی از طرفی داشته‌های فرهنگی، روابط انسانی و سازگاری‌های اجتماعی که در طول قرن‌ها میان افراد یک ملت، هویت و زبانی مشترک به وجود آورده است، نمی‌تواند یکسره در تسلط جهان تکنولوژیک درآید، چرا که این پدیده اینک نه دیگر مفهومی ابزارری و خنثی است، بلکه جهت‌گیری خاصی را با خود تحمیل می‌کند که رهایی از آن وابسته به تغییر محتوای نظری و اندیشه تکنولوژیک است. به گونه‌ای که دیگر همانند جوامع توسعه یافته ابزارری برای سیطره فرهنگی و اعاده حیثیت اجتماعی برای نهادهای در اختیار دارنده‌اش نباشد.

### ۳-۳-۳- راهکارهای پیش‌رو

کشورهای در حال توسعه به جهت اینکه ساختارهای جدید نتوانسته‌اند به تمامی، پایه‌های فرهنگی آنان را دستخوش تغییر کنند، این امکان را دارند که راهی تازه را بپیمایند. تغییر محتوای نظری تکنولوژی، در حقیقت فاصله گرفتن از کارکرد مصرف‌گرایانه و صوری آن است و نگاهی اجتماعی به آن که نه تنها تبدیل به چارچوب و مفهوم عمده زندگی انسانی نگردد، بلکه بتواند دریچه‌ها و دنیا‌های تازه‌ای بر انسان جستجوگر بگشاید.

خارج از مقیاس بودن مفهوم تکنولوژی ارتباط با آن را سخت و حتی ناممکن کرده و انسان را در شبکه ارتباطات نامفهوم شکل گرفته، مسخ می‌کند. تکنولوژی باید به گونه‌ای خرد در جامعه توزیع شود. در توضیح مقایسه تکنولوژی جدید و سنتی گفته شد که عدم مقیاس‌مندی

تکنولوژی جدید، نه به لحاظ اندازه، بلکه به لحاظ فهم پذیری، سبب قطع ارتباط مفهومی و عدم امکان خویشمندی سازی ابزار تکنولوژیک توسط انسان می‌گردد.

بحث دیگر پیرامون پذیرش تکنیک، دستیابی به علم ایجادکننده آن در کنار ورود اشیای تکنولوژیک است. در کنار دانش فنی، آشنایی تکنیک مداران با مباحث ماهوی و نظری مربوط به آن مانع از ایجاد ساختار تکنولوژیک بدون پایه و اساس می‌شود. این مقوله به خصوص در نحوه آموزش متخصصین بسیار حائز اهمیت است. به علاوه توجه به صنایع بومی و توان‌های موجود در بسترو حمایت از کارآفرینی در مقیاس محلی و به تبع آن حمایت از اقتصاد محلی، سبب ماندگاری و ارتقای کیفیت و امنیت محیط می‌گردد (Pourjafar & Dehghani, 2012, 93). و از این رهگذر تکنولوژی به وسیله ارتقای این عوامل پیوند معناداری با فرد و محیط می‌یابد. مسئله دیگر مربوط به عموم در نحوه استفاده و برخورد با تکنولوژی است که خود آگاهی شخصی و پرسش‌گری هر فرد سبب می‌گردد که با فاصله گرفتن از قالب تکنولوژی، آگاهانه بر آن مسلط شده و نسبت خود را با آن تعریف نماید.

### ۳-۴- کاربرد فناوری در حوزه کالبدی

چنانکه گفته شد هنگامی می‌توان برای فناوری به عنوان عامل گسترش درک انسان از هستی و ابزاری برای تأمین نیازهای وی در رویه فردی و اجتماعی، رسالتی قایل بود که نحوه ادراک این پدیده به مثابه صورت ظاهری مدرنیته و توسعه، تغییر یابد و کارکرد آن بر مبنای اولویت‌ها و نیازهای حقیقی زندگی انسانی و اجتماعی صورت بندی گردد. این موضوع فناوری را با حوزه کالبدی به گونه‌ای اساسی پیوند می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مسایل در رابطه ورود و گسترش فناوری در جامعه، مقیاس مندی فهم و ابزار تکنولوژیک نسبت به مخاطب و محیط است. به بیان دیگر رابطه مفهومی میان انسان و ابزار تکنولوژیک زمانی برقرار می‌شود که مخاطب بتواند در قبال آن موقعیت ادراکی خویش را باز یابد و به خویشمندی سازی آن ابزار بپردازد، بنابراین ساختارهای فناوری در جامعه، خواه بناها و محیط‌های ساخته شده با ایده و ابزار تکنولوژیک و خواه ابزار رسانه‌ای، فرهنگی و روزمره نباید خارج از حیطه دسترسی ذهنی مخاطب قرار گیرند.

دیگر نکته اساسی درگیری متخصصان و تصمیم‌گیران حوزه کالبدی و دست‌اندرکاران ساخت و ورود فناوری با مباحث نظری، اهداف و اولویت‌های این حوزه است. رابطه این گروه‌ها با فناوری را باید فراتر از دانش فیزیکی

صورت بندی نمود و این در حالتی میسر است که مباحث نظری و شناختی پیرامون این پدیده در درجه اول میان این گروه‌ها و در مرحله بعد درون محیط اجتماعی به گونه‌ای ریشه‌دار طرح گردد.

در زمینه کاربردی، اساسی‌ترین بُعد استفاده از فناوری توجه به توسعه زیرساخت‌های اجتماعی مانند حمل و نقل، بهداشت، مسکن و... است که باعث ملموس شدن کارکرد آن در بدنه جامعه خواهد شد و امکانی برای تعریف انسانی و هدفمند فناوری فراهم می‌نماید. در کنار توسعه زیرساخت‌ها، فناوری می‌تواند در قالب فضاهای تعامل جمعی، توسعه نهادهای شهروندی و ایجاد مکان‌های با کارکرد ویژه در مقیاس محلی مانند سراها، بازارچه‌ها و پاتوق‌های اجتماعی، امکان فرصت‌های برابر و مشارکت شهروندان را به وجود آورد. ضمن آنکه توسعه و حضور ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی می‌تواند سبب تداوم تاریخی و غنای محیط گردد (Mazaherian & Shahtemori, 2012, 7). البته حضور ساختارها و فناوری جدید نباید محیط اطراف را به طور جدی تحت تأثیر قرار دهد بلکه باید ضمن توجه به حجم، رنگ، تناسب، مقیاس و مصالح موجود بر زمینه غلبه نکرده و به چشم اندازه‌های با اهمیت آسیبی نرساند (همان، 15). نکته حائز اهمیت دیگر برخورد زمینه‌گرا در استفاده از تکنولوژی و ساختارهای جدید در محیط کالبدی است. در این رویکرد هر بنایی بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی، اقلیمی و شرایط خاص آن محل طراحی و اجرا می‌شود (Mahdavejad & Others, 2012, 32)، و تکنولوژی می‌تواند در انطباق ساختارهای نو با این عوامل نقش اساسی داشته باشد. ضمن آنکه استفاده از فناوری‌های نو برای پیش‌بینی امکان تغییر در ساختار و عملکرد فضایی با توجه به نیازهای مهم مانند ساخت پناه‌گاه‌ها، سرپناه‌ها، اورژانس‌ها و بیمارستان‌های موقت نقش خاص تکنولوژی را در شرایط ویژه نشان می‌دهد. در این زمینه راهکارهایی مانند استفاده از فناوری پیش‌ساختگی و صنعتی سازی و نیت سیستم‌های مدولار با ویژگی انتقال و نصب سریع بیشترین سطح انعطاف پذیری و قابلیت انطباق را ممکن می‌سازد (Taghizade & Sanaee, 2013, 77). علاوه بر این‌ها استفاده از فناوری‌های نو در افزایش تعامل انسان و طبیعت و کاهش مصرف منابع به ایجاد رابطه میان ساختارهای نوین و پیش‌زمینه‌های انسانی - فرهنگی جامعه خواهد انجامید.

## نتیجه‌گیری

از بدو پیدایش فناوری جدید در جوامع صنعتی، مسئله چگونگی ارتباط آن با انسان از موضوع‌های مهمی بوده که مکاتب مختلف به آن پرداخته و هریک از نظرگاه خود آسیب‌های این رابطه و راه‌های برکنار ماندن از آن‌ها را تشریح نموده‌اند. با تأمل در آرای اندیشمندان دینی می‌توان دریافت که تفاوت معنایی میان فناوری در تفکر اسلامی و مفهوم آن در جهان معاصر ریشه در تفسیر این دو نظرگاه از مدرنیته دارد. پارادایم فکری مسلط کنونی مدرنیته را نه راهی برای نوسدن و انکشاف عرصه‌های گشوده‌تری از هستی، بلکه به مثابه چارچوبی ساخته و پرداخته و دارای محتوای ارزشی خاص باز می‌شناسد که انسان در این پارادایم دیگر نه سوژه متعامل با هستی، که عامل متصرف در آن معنا می‌شود. در حالی که در اندیشه دینی، نوشدگی و رهایی از جمود نه تنها پذیرفته است که معنا و هدف تفکر دینی را شکل می‌دهد. این تفاوت به درک متنافری از هستی در این دو نگرش انجامیده که بر این اساس فلسفه مدرن در معنای حادث شده، هستی و طبیعت را به عنوان یک ماشین می‌انگارد، در حالی که فلسفه اسلامی هستی را بستر شعور کلی و واجد حیات می‌داند. این نحوه نگاه تفاوت ماهوی میان معنای فناوری و کارکرد آن را در این دو نظرگاه آشکار می‌کند. نسبت فناوری با اندیشه اسلامی و فرهنگ ایرانی می‌تواند نسبتی سازنده باشد اگر با مبانی اسلامی- ایرانی به ساختاری جدید برای علم‌ورزی و پذیرش فناوری دست یابیم. فناوری به ذات خویش غیردینی و یا در تعارض با ارزش‌های فرهنگی نیست، بلکه این تأویل متصرفانه از اندیشه علمی و تکنولوژیک است که در تعارض با ساحت دین و فرهنگ قرار می‌گیرد. آنچه می‌تواند عامل گسست کلیت‌یافتگی و تسلط تکنولوژی بر جوامع و برقراری رابطه فعال با آن باشد، فهم نسبت آن با اراده و آگاهی بشرو خارج شدن از چارچوب‌های برساخته تکنیک است. نتایج یافته شده از ارزیابی تحلیلی نظرات مختلف پیرامون تکنولوژی و وضعیت کنونی جوامع در نسبت با آن بیانگر آن است که:

- باید میان ماهیت تکنولوژی و مصنوعات تکنیکی تمایز قایل بود،

- به جهت مقیاس فرا انسانی و عدم آشنایی مخاطب با ابزارهای جدید رابطه مفهومی او با اشیا از میان می‌رود،

- شکافتن کلیت و وحدت درونی تکنولوژی، آن را به مثابه امکانی برای گشودن جهان و انکشاف مفاهیم تازه بر انسان عرضه می‌کند،

- حضور ظاهری تکنولوژی در فضای جامعه بدون کارکرد اجتماعی، مقیاس‌مندی و تناسب با نیازهای حقیقی یکی از چالش‌های جوامع در حال توسعه است که می‌تواند به دریافت عمومی از این پدیده آسیب وارد نماید،

- تکنیک مدرن تفاوت بنیادینی با فناوری سنتی دارد که به جهت گسستگی و مقیاس خرد نمی‌توانست بر شئون انسانی تسلط یابد،

- بر خلاف همه‌گیری ظاهری، تکنیک جدید حالتی کاملاً انحصاری به خود گرفته و جهت‌گیری‌های خاصی را با خود تحمیل می‌کند،

- تکنولوژی در بستر فرهنگ مصرفی، از کارکرد حقیقی خویش فاصله گرفته و به ابزاری برای نیازسازی در این جوامع بدل می‌شود.

در پایان بر مبنای یافته‌های پژوهش برای دور ماندن از آسیب‌های مطرح شده بر تعامل انسان و تکنولوژی در نسبت فردی، اجتماعی و فرهنگی راهکارهایی ارائه می‌شود که عبارتند از:

- بومی‌سازی دانش و فناوری و توجه به صنایع بومی و محلی،

- برگزاری مباحث نظری پیرامون تکنولوژی در مجامع متخصصان،

- اولویت استفاده از فناوری‌هایی که زیرساخت‌های اجتماعی را در بخش‌هایی مانند بهداشت، حمل و نقل، مسکن و ... حمایت می‌کنند،

- فاصله گرفتن از چارچوب فراگیرنده تکنولوژی که جهان تجربه‌ها و ارتباطات انسانی را به قالب‌های از پیش شکل یافته محدود می‌کند،

- توزیع تکنولوژی در مقیاس خرد و قابل فهم به گونه‌ای که امکان ارتباط با آن برقرار گردد،

- حفظ بافت‌های فرهنگی و بنیان‌های سنتی که تداوم حافظه تاریخی جامعه را حمایت می‌کنند،

- ورود فناوری به حوزه عمومی و در دسترس توده مردم در قالب ساخت فضاهای تعامل جمعی، نهادهای شهروندی

و تعریف فضاهای ویژه در عرصه شهری مانند سراها و بازارچه‌های محلی و پاتوق‌های اجتماعی،

- استفاده از فناوری در ساختار کالبدی، نه با هدف تکنولوژیک کردن پوسته بنا، بلکه برای پاسخگویی به الزامات کارکردی و معنایی آن،

- به کارگیری فناوری‌های روزآمد در جهت ارتقای تعامل انسان و طبیعت در حوزه شهری و فضای معماری،

- کاربرد فناوری‌های ارزان قیمت و در دسترس برای هماهنگ کردن ساختمان‌ها با شرایط اقلیمی و کاهش مصرف منابع انرژی،

- استفاده از روش‌های ساخت با فناوری‌های نوین در ساختارهای کالبدی مانند مسکن، فضاهای فرهنگی و اجتماعی در جهت کاهش هزینه‌ها، افزایش سرعت ساخت و مطابقت با ویژگی‌های ارتقا دهنده کیفیت این فضاها.

## پی‌نوشت‌ها

۱. فلسفه تکنولوژی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای از آمیزش تفکر فلسفی و تکنولوژیک است و به بحث در ماهیت تکنولوژی و ارتباط آن با وضعیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی انسان می‌پردازد.

2. Phenomenology

3. Martin Heidegger

۴. گشتل (Ge-estell) در زبان آلمانی به معنای داربست یا دستگاه یا استخوانبندی و در کاربرد هایدگر به معنای قالب‌بندی است که با این لفظ ماهیت تکنولوژی را نام‌گذاری می‌کند.

5. Karl Theodor Jaspers

6. Jacques Ellul

7. The Technological Society

8. Albert Borgmann

9. Historical Traditionalists

۱۰. رمانتیسیسم نهضتی جهانی است که علاوه بر جنبه ادبی دارای ابعاد متنوع هنری، فلسفی، اجتماعی و تاریخی است. شکوفایی این مکتب در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ متأثر از انقلاب فرانسه، انقلاب صنعتی، دوران روشنگری و فلسفه شرق بود. اصول این جریان را باژگست به طبیعت، مخالفت با خرد و زندگی صنعتی، اصالت‌مندی احساس، تخیل‌گرایی و تکیه بر ناخودآگاه شکل می‌داد.

۱۱. William Morris

۱۲. John Ruskin

۱۳. واژه پوزیتیویسم (Positivism) مترادف با اصالت تجربه علمی و منطقی و دنبال‌کننده سنت اصالت تجربه قرن ۱۹ با تعالیم ضد متافیزیکی و علم‌گرایانه است. پوزیتیویست‌ها معرفت را حاصل تأثرات حسی (بی‌واسطه) می‌دانند. اصول بنیادین معرفت‌شناسی آن‌ها اثبات‌گرایی، تحقیق‌پذیری، ساختارگرایی منطقی و اصالت تجربه است.

۱۴. Rene Descartes

۱۵. Emmanuel Kant

۱۶. های تک سبکی در معماری و طراحی صنعتی است که در حدود سال ۱۹۷۰ پدیدار شد. این سبک عناصر پیشرفته صنعتی و تکنولوژی را با هم ترکیب کرد و به صورت جلوه‌ای تازه از مدرنیسم درآمد. معمارانی مانند فاستر، بیانو و راجرز می‌توان نمایندگی این سبک دانست. از دید این معماران ساختمان‌های امروزی باید نشان‌دهنده عصاره فکری و تکنیکی عصر حاضر باشند.

۱۷. Spiritual Traditionalism

۱۸. Titus Burckhardt

۱۹. Low-Tech

۲۰. مکتب فرانکفورت در دهه ۳۰ توسط هورکهایمر در آلمان تأسیس شد و عمده فعالیت آن در زمینه‌های فلسفه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی است. متفکران این مکتب با پوزیتیویسم در علوم اجتماعی به جدل می‌پردازند و با منظر انتقادی تبعات زندگی صنعتی و بورژوازی مانند ماشین‌پریم، سلطه رسانه، شی‌انگاری و از خود بیگانگی را به چالش می‌کشند.

۲۱. Deterministic Approach

- Ebrahimi, Jafar; Amiri, Mohammad; Ameri, Mehdi. (2007), Frankfurt School and Critical Theory, Journal of Social Science, No.4, Etemad, Shapour. (1998), Philosophy of Technology, Markaz Publication, Tehran, Iran.
- Feenberg, Andrew. (1991), Critical theory of technology, Oxford university press, New York.
- Feenberg, Andrew. (1996), Marcuse or Habermas: Two critiques of technology, Inquiry, 1, 39, pp.70-45.
- for the History of Arabic-Islamic Science, Frankfurt, Germany.
- Gehlen, Arnold. (2009), Technology as a Philosophical Phenomenon, Translated by Manouchehr Sanei, Journal of Wisdom and
- Habermas, Jurgen. (1994), Technology and Science as Ideology, Translated by Ali Mortazavian, Organon, No. 1, pp. 92-69.
- Hasani, Mohammad hasan. (1995), Renovation of Society from Imam Khomeini's Viewpoint, Journal of Hozour, No. 12.
- Heidari, Mohammad javad. (1999), Coordination of Science & Religion from Imam Khomeini's Viewpoint, Hozour, No. 30.
- Heidegger, Martin. (1994), Question Concerning Technology, Translated by Shapour Etemad, Organon, No.1, pp. 30-1.
- Heidegger, Martin; Bernstein, Richard & Others. (2011), Culture and Technology (proceedings), Translated by Shapour Etemad
- Homayoun vala, Elaheh. (1998), Value Neutrality of Technology, Master's Thesis, Sharif University of Technology, Tehran, Iran.
- Hosseini Shahroodi, S.Morteza. (2003), Presentation and Critique of Logical Positivism, Journal of Theology & Low, No. 7,8, Informations, No. 13, pp. 17-8.

### ۲۳. فهرست منابع

- & Others, Organon, Publication of the Ministry Of Culture and Islamic Guidance, Tehran, Iran.
- \_\_\_\_\_ , (1993), Islam and Technology; A report from the International Congress of Advancing Science And Technology
- Abdolkarimi, Bijan. (2008), What is Philosophy of Technology?, Baztab-e Andisheh, No. 106, pp. 88-87.
- Ali zamani, Amir abbas. (2000), Essence of Technology from Heidegger's Viewpoint, Nameh mofid, No. 23, pp. 222-197.
- aps A Journal Of The Association for Psychological Science, Vol. 18, No. 42-37, 1.
- Asadi, Mohammad reza. (1997), Religiosity and Technicalness, Qasabat, No.3, pp. 169-154.
- Asadi, Mohammad reza. (2001), Religion and Technology: The Relation between two Rationality, Jaam-e-jam newspaper,
- Azarkar, S.Hasan. (2000), Philosophy of Technology, Literature and Philosophy Book of the Month, No.31, pp. 35-22.
- Bart, William. (2008), Technique, Existence, Freedom, Translated by Saeed Jahangiri, Porsesh Publications, Tehran, Iran.
- Bernstein, Richard. (1994), Technology and Morality, Translated by Yousef Abazari, Organon, No.1, pp. 68-31.
- Davari Ardakani, Reza. (1999), Considerations regarding the Technique, Journal of Culture, No. 72, pp. 200-184.
- Dryfus, Hubert; Espinoza, Charles. (2009), How to Say Yes to Technology, Translated by Siavash Jamadi, Journal of Wisdom and
- Dusek, Val. (2006), Philosophy of technology: An introduction, Blackwell Publishing, Oxford, UK.



شماره ۵-۱  
بهار ۱۳۹۴

فصلنامه  
علمی-پژوهشی

نقش  
جهان

مقایسه تطبیقی دیدگاه اسلامی و دیگر مکاتب فکری در نسبت میان انسان و تکنولوژی و کارکرد آن در جامعه و محیط کالبدی

- Phenomenology and the Cognitive Sciences, 3, 7, pp.395-387.
- Pourjafar, Mohammadreza; Dehghani, Fahime. (2012), Role of Cultural Landscape Generation in the Enhancement of the pp. 174-127.  
pp. 413-404.  
pp. 86-66.  
Quality of Citizen Life (Case Study: Zandieh Complex of Shiraz), Naqshejahan, Vol.2, No.1, pp. 94-81.
- Schuurman, E. (2008), The Challenge of Islam's Critique of Technology, University of Wageningen, Netherlands.
- Schuurman, E. (2011), Technology and religion: Islam, Christianity and materialism, koers journal, Vol. 76, No. 2, pp.386-373.
- Servat, Mansour. (2003), Romanticism School, Peyk-e Noor, No. 2, pp. 58-40.
- Sezgin, F. (2010), Science and Technology in Islam (vol. 1), Translated by Sarma. R and Sarma. S, Publications of the Institute
- Soroush, Abdolkarim. (2000), Observing the Created: Lectures in Ethics and Human Science, Serath Cultural Foundation, Tehran.
- Taghizade, Katayoon; Sanaee, Nafiseh. (2013), An Investigation on Structural Systems of Mobile and Temporary Shelters, Tehran, Iran.
- Tenner, Edward. (1996), Why Things Bite Back: Technology & the Revenge of Unintended Consequences, Alfred A. Knopf, NY.
- Theories and International Agreements), Naqshejahan, Vol.2, No.2, pp. 19-7.
- Vafamehr, Mohsen; Diba, Darab & Others. (2009), Architecture and Technology, Landscape Magazine, No. 4, pp. 81-80.
- Verbeek, P.P. (2008), Cyborg Intentionality – Rethinking the Phenomenology of Human-Technology Relations,
- Vergragt, Philip J. (2006), How Technology Could Contribute to a Sustainable World, GTI Paper Series, Tellus Institute, Boston.
- Ingold, Terence. (1994), Tools, Minds, Machines : A pass the Philosophy of Technology, Translated by Mohsen salasi, Journal in the Islamic World, Journal of Nameh Farhang, No.9, pp. 181 -177.
- Kahn, Jr., Peter H.; Severson, Rachel L.; Ruckert, Jolina H. (2009), The Human Relation With Nature and Technological Nature,
- Kaji, Hossein. (2013), Don Ihde's Philosophy of Technology a Response to Technological Determinism, Hermes Publication, Knowledge Informations, no. 44, pp. 14-10.
- Knowledge Informations, No. 44, pp. 9-4.
- Kong, Lily. (2001), Religion and technology: refiguring place, space, identity and community, Royal Geographical Society,
- Mahdavinejad, Mohammadjavad; Bemanian, Mohammareza; Molaee, Masoomeh. (2012), Architecture in Context- Inspiration
- Marcuse, Herbert. (2008), One-Dimensional Man, Translated by Mohsen Moayed, Amir Kabir Publications, Tehran, Iran.
- Mazaherian, Hamed; Shahtemori, Yalda. (2012), International Approaches to New Constructions in Historic Context (Study of
- Mitcham, Carl. (2013), What is a Philosophy of Technology, Translated by Mostafa Taghavi & Others, Soroush Press, Tehran.
- Naqibi, Mehrnaz. (1995), Sociology: Frankfurt School, Resaneh, No. 24, pp. 93 -84.
- Naqshejahan, Vol.2, No.3, pp. 78-67.
- Nasr, S.Hossein. (2006), Islam, Muslims and Modern Technology, Siahat-e Gharb, No. 36, pp. 23-5.
- Nasr, S.Hossein. (2007), Islam, Science, Muslims, Translated by Seyyed Amir Hossein Asghari, Journal of Wisdom and Knowledge No.3184, Tehran, Iran.
- of Contextualism in Design, Naqshejahan, Vol.2, No.1, pp. 34-21.
- of Social Science, Tehran University, No. 7, pp. 210-183.

Vermass, Pieter. E. & Others. (2012), A  
Philosophy of Technology from Techni-  
cal Artefacts to Sociotechnical Systems,  
translated by Mostafa Taghavi & Farrokh  
Kakaei, Ameh Publication, Tehran, Iran.



شماره ۵-۱  
بهار ۱۳۹۴

فصلنامه  
علمی-پژوهشی

**نقش  
جهان**

مقایسه تطبیقی دیدگاه اسلامی و دیگر مکاتب فکری در نسبت  
میان انسان و تکنولوژی و کارکرد آن در جامعه و محیط کالبدی